

دکتر رابرت وانوی، تاریخ عهد عتیق، درس ۲۲

دکتر رابرت وانوی و تد هیلدیرانت، ۲۰۱۲ ©

...، عهد ابراهیمی - پیدایش ۱۲، ۱۵

### تکلیف کلاس تثنیه

تکلیف هفته آینده شامل تحلیل کتبی ساختار تثنیه است. من به دنبال یک مقاله طولانی نیستم. واقعاً به دنبال چیزی بیش از خواندن کتاب تثنیه توسط شما نیستم، اما چیزی که می‌خواهم انجام دهید این است که در مورد ساختار و بخش‌های اصلی مطالب تأمل کنید. می‌توانید شولتز را بخوانید که به نوعی مطالب را خلاصه می‌کند. بنابراین چیزی که من واقعاً به دنبال آن هستم بیشتر به شکل یک طرح کلی از تثنیه و قطعاً با بخش‌های اصلی و اشاره‌ای به زیربخش‌ها است. هدف اصلی فصل‌های ۱ تا ۱۱ و سپس دسته اصلی در فصل‌های ۱۲ تا ۲۶ را که مطالب حقوقی است و به نوعی قلب کتاب است، مشخص کنید. و ماهیت مطالب در فصل‌های ۲۷ تا ۳۴. بنابراین اساساً چیزی که من به دنبال آن هستم، یک طرح کلی ساختاری از مطالب است. این باید به عنوان ۳۴. پیش‌زمینه‌ای برای کاری که قرار است در کلاس انجام دهیم، انجام شود. من به دنبال هیچ نوع مقاله طولانی نیستم. فقط می‌خواهم شما را به بررسی ساختار کتاب و ادارم

این دوره ادامه دارد. بنابراین وقتی سه ماهه بعدی به تثنیه می‌رسم، این آمادگی برای آن است. فقط یک دلیل وجود دارد که من این کار را انجام می‌دهم، چون فکر می‌کنم یک عامل انگیزشی وجود دارد که شما را تشویق می‌کند آن مطالب را با دقت بخوانید و در مورد آن تأمل کنید. متأسفانه، طبیعت انسان این است که وقتی می‌دانید قرار است برای چیزی پاسخگو باشید، معمولاً کار بهتری انجام می‌دهید. این برای آزار و اذیت شما نیست، بلکه برای کمک به شما در تسلط بر این مطالب است |

ابراهیم به عنوان یک شخصیت تاریخی

۱. ابراهیم و فلسطینیان

۲. ابراهیم به عنوان پدر روحانی ما

الف. عهد خدا با ابراهیم

پیدایش ۱۲: ۱-۳ - مجهول یا انعکاسی

ما در آخرین ساعت کلاس در مورد ابراهیم به عنوان یک شخصیت تاریخی بحث می‌کردیم. من با بحثمان در مورد ابراهیم و فلسطینیان و این سوال که آیا ارتباط با فلسطینیان در دوره پدرسالاری یک نابهنگامی تاریخی است، به این نتیجه رسیدیم. بیایید به مورد دوم برویم. «ابراهیم به عنوان پدر معنوی ما». چندین نکته فرعی در آنجا وجود دارد، اما الف. «عهد خدا با ابراهیم» است که در چهار قسمت ذکر شده است. اولین مورد در پیدایش ۱۲: ۱-۳ یافت می‌شود. بنابراین کاری که می‌خواهم تحت این عنوان انجام دهم این است که به این قسمت‌ها نگاه کنم و ببینم چه چیزی در عهد خدا با ابراهیم دخیل است. در پیدایش ۱۲: ۱-۳ و آیه ۷، جمله اصلی دعوت ابراهیم را دارید که در آن به او گفته می‌شود قوم و کشور خود را به مقصد مکانی دیگر که خدا به او نشان خواهد داد، ترک کند. به او وعده‌های خاصی داده می‌شود. ما می‌خوانیم: «خداوند به ابرام گفته بود: «از سرزمین خود، قوم خود و خانه پدرت بیرون بیا و به سرزمینی که به تو نشان خواهم داد، برو. من تو را به ملتی بزرگ تبدیل خواهم کرد و تو را برکت خواهم داد. نام تو را بزرگ خواهم ساخت و تو برکت خواهی بود. من کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد و هر که تو را نفرین کند، نفرین خواهم کرد. و همه مردم زمین از طریق تو برکت خواهند یافت.» سپس در آیه ۷، «خداوند بر ابرام ظاهر شد و گفت: «این سرزمین را به نسل تو خواهم داد.» [این پس از ورود او به سرزمین است.] پس در آنجا برای خداوند که بر او ظاهر شده بود «قربانگاهی ساخت»

حال در آیه ۲ که در مورد برکات بحث شده است، می‌بینید که نسل ابراهیم به ملتی بزرگ تبدیل خواهد شد و او برکت خواهد یافت و نامش بزرگ خواهد شد. حال زمینه این موضوع را به خاطر بسپارید. او به تازگی حران را ترک کرده و فرزندی ندارد. اما خداوند می‌گوید که از ابراهیم ملتی بزرگ خواهد ساخت و نام او را بزرگ خواهد کرد. اشاره به بزرگ کردن نام را در متن فصل‌های اولیه پیدایش به خاطر بسپارید. اگر به پیدایش برگردید، این آرزوی پسران خدا بود که با دختران آدمیان ازدواج کردند و ما در آنجا در مورد امکانات ۴-۱: ۶ تفسیر بحث کردیم. در پایان آیه ۴ از فصل ۶، درباره فرزندان آن ازدواج‌ها می‌خوانیم. «مردان قدیم» به معنای واقعی کلمه «مردان نام» است. سپس وقتی به پیدایش ۱۱ می‌رسید، جایی که مردم برای ساختن برجی که قله آن به آسمان می‌رسید، جمع شدند، گفتند: «بیایید برای خود نامی بسازیم، مبادا در زمین پراکنده شویم.» وقتی به پیدایش ۱۲، آیه ۲ می‌رسید، خداوند به ابراهیم می‌گوید: «من نام تو را بزرگ خواهم کرد.» خداوند آنچه را که دیگران به شیوه‌ای نادرست جستجو کرده بودند، به ابراهیم خواهد داد، خداوند آن را به شیوه‌ای شایسته به او خواهد داد.

سپس در آیه ۲، آخرین عبارت، می‌خوانید: «تو مایه برکت خواهی بود.» این جمله با جزئیات بیشتر در آیه ۳ آمده است، زیرا در آیه ۳ می‌گوید: «من کسانی را که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد و هر که تو را نفرین کند، نفرین خواهم کرد؛ و همه مردم روی زمین از طریق تو برکت خواهند یافت.» حال، آخرین عبارت

را مقایسه کنید که NIV آیه ۳ قابل توجه است. با این حال، یک سوال ترجمه وجود دارد. اگر کینگ جیمز یا می‌گوید: «همه مردم زمین از طریق تو برکت خواهند یافت.» متوجه می‌شوید که ترجمه مجهول است، «از طریق تو برکت خواهند یافت.» در حالی که اگر به نسخه استاندارد اصلاح شده نگاه کنید، ترجمه «به وسیله تو همه خانواده‌های زمین خود را برکت خواهند داد» را خواهید یافت.

عبارت «همه قبایل زمین از تو برکت خواهند یافت» یا «از نسل تو» پنج بار در کتاب پیدایش تکرار شده است. شما آن را اینجا در پیدایش ۱۲:۳ می‌بینید که ساختار عبری آن چیزی است که نیفال نامیده می‌شود. کمی بعد آن را توضیح خواهم داد. همچنین در پیدایش ۱۸:۱۸ و ۲۸:۱۴ نیز همین ساختار عبری نیفال را دارید. اما سپس آن را در پیدایش ۱۸:۲۲ و ۲۶:۴ در هیتفائل می‌بینید که نوع دیگری از شکل فعلی در ساختار عبری است. به طوری که سه بار فعل نیفال و دو بار فعل هیتفائل است، اما شما همان عبارت را دارید که گاهی برای ابراهیم و گاهی برای فرزندان، اسحاق و یعقوب تکرار می‌شود. سوال این است که بهترین ترجمه این عبارت چگونه است.

جالب است که سیتواجینت، ترجمه یونانی عبری، هر پنج عبارت را به طور مداوم به صورت آینده مجهول ترجمه می‌کند، نه آینده میانی. به عبارت دیگر، کاملاً مشخص است که در یونانی به طور مداوم به می‌رسید و آن را به صورت مجهول ندارید، آن را به صورت RSV صورت مجهول فهمیده می‌شد. حالا به چیزی دارید که می‌توان آن را انعکاسی نامید: «در تو همه خانواده‌های زمین خود را برکت خواهند داد.» این یک نوع عمل انعکاسی است. سوال این است که چرا آن را متفاوت ترجمه کرده‌اند؟ اگر به تفاسیر نگاه کنید ترجمه می‌کنند و آن را انعکاسی می‌کنند. در این RSV متوجه خواهید شد که اکثر تفاسیر مدرن آن را مانند تفاسیر اغلب در همین رابطه گفته می‌شود که نیفال که عموماً ریشه مجهول است را می‌توان به صورت انعکاسی ترجمه کرد، اما هیتفائل که عموماً ریشه انعکاسی است را نمی‌توان به صورت مجهول ترجمه کرد.

حال، نمونه‌ای از آن در کتابشناسی وجود دارد. به مدخل بالای صفحه ۱۳، نوشته‌ی افرایم اشپایزر از کتاب پیدایش در مجموعه‌ی کتاب مقدس انکر، توجه کنید. اشپایزر در صفحه ۸۶ می‌گوید: «شکل عبری اغلب به متبرک خواهد شد» ترجمه می‌شود، همانطور که به صورت نیفال است که عموماً، اگرچه نه همیشه، مجهول است. با این حال، عبارات موازی با هیتفائل وجود دارد، شکلی که می‌تواند انعکاسی یا متقابل باشد اما مجهول نیست.» نکته‌ی کلیدی که اشپایزر می‌گوید این است که هیتفائل را نمی‌توان مجهول ترجمه کرد. بنابراین، معنای این بند این است که ملت‌های جهان، چه در برکت دادن به خود و چه در برکت دادن به یکدیگر، به ابراهیم به عنوان آرمان خود اشاره خواهند کرد. از سوی دیگر، مجهول بودن به این معنی است که امتیازاتی که ابراهیم و فرزندان از آن برخوردارند، به سایر ملت‌ها نیز گسترش خواهد یافت. این تمایز ممکن است در ظاهر ناچیز باشد، اما از نظر کلامی اهمیت زیادی دارد و نمی‌توان شواهد کاربرد زبانی را نادیده گرفت. اشپایزر در این مورد حق دارد که چه آن را به صورت انعکاسی و چه مجهول ترجمه کنید، اهمیت الهیاتی زیادی دارد. آیا این

گفته به شیوه‌ای پیش‌بینی‌کننده است که ملت‌های دیگر به عنوان چیزی که از طریق ابراهیم و نسل او برایشان اتفاق خواهد افتاد، برکت خواهند یافت؟ یا فقط می‌گوید ملت‌های دیگر به ابراهیم به عنوان آرمان خود نگاه خواهند کرد و به نوعی خود را برکت خواهند داد. بنابراین این نکته قابل توجه است. اما اسپایزر می‌گوید هیتفائل، را نمی‌توان به صورت مجهول ترجمه کرد. واضح به نظر می‌رسد که هر پنج باید به یک شکل ترجمه شوند، همان عبارتی است که تکرار می‌شود. بنابراین اسپایزر و دیگران به جای ترجمه همه آنها به صورت مجهول، آنها را به صورت انعکاسی ترجمه می‌کنند، اگرچه شما یک نیفال دارید که معمولاً در زبان عبری مجهول است. حالا سوال این است: آیا واقعاً درست است که هیتفائل را نمی‌توان به صورت مجهول ترجمه کرد؟ در

«کتابشناسی شما، من به کتاب «استفاده پولس از اشعیا ۱: ۶۵» نوشته آلن مگری در جلد «شریعت و انبیا صفحه ۳۷۲ اشاره کرده‌ام. این مقاله در مورد پیدایش ۱۲ یا این متن نیست، اما او در مورد استفاده از هیتفائل بحث می‌کند. و در این جلد صفحه ۳۷۲ می‌گوید: «بیشتر کتاب‌های عبری امروزی تمایل دارند بدون هیچ انتقادی، اظهارات مطرح شده در دستور زبان عبری صد سال پیش را تکرار کنند، و گاهی اوقات این اظهارات تحت بررسی کامل قرار نمی‌گیرند. بنابراین بسیاری از دستور زبان‌های عبری می‌گویند که هیتفائل به ندرت مجهول است.» حالا اگر به برخی از دستور زبان‌های عبری نگاه کنید، می‌گویند که هرگز مجهول نیست. اما او می‌گوید: «بسیاری از دستور زبان‌های عبری می‌گویند که هیتفائل به ندرت مجهول است، اما بررسی دقیق نشان می‌دهد که حداقل یک چهارم از موارد استفاده از آن باید به عنوان مجهول تفسیر شود. حداکثر نه بیشتر از یک سوم آنها انعکاسی هستند و تعداد بسیار کمی از آنها را می‌توان به عنوان متقابل تفسیر کرد. تنها در چند سال اخیر است که وجود هیتفائل تکراری و ممتد به رسمیت شناخته شده است» و سپس او به چیز دیگری می‌پردازد. اما «نکته این است که مگری می‌گوید: «یک چهارم موارد استفاده از آن باید به عنوان مجهول ترجمه شود. بنابراین هیچ مبنایی برای این گفته وجود ندارد که هیتفائل را نمی‌توان به عنوان مجهول ترجمه کرد. می‌تواند

حالا این یعنی وقتی دوباره به آن جمله برمی‌گردید، می‌توانید آن را به صورت انعکاسی یا مجهول ترجمه کنید. این بستگی زیادی به درک شما از اهمیت آن دارد. دستور زبان به آن اجازه می‌دهد که به هر دو صورت باشد و به اندازه کافی تفسیر ندارد و همانطور که اسپایزر می‌گوید، هیتفائل را نمی‌توان به صورت مجهول ترجمه کرد.

اگر به این سوال علاقه‌مند هستید، و شاید به نظرتان نکته مبهمی باشد، می‌توانید مقاله خوبی در این مورد از نوشته‌ی ا.ت. آلیس با عنوان «برکت ابراهیم» در مجله‌ی الهیات پرینستون در سال ۱۹۳۷ بخوانید. او در آنجا به طور کامل و با دقت به این سوال پرداخته است. شاید فقط بگویم که در چند صفحه اول، او در مورد یک دستور زبان شناخته شده صحبت می‌کند که دوباره می‌گوید هیتفائل نمی‌تواند منفعل باشد و فقط می‌تواند انعکاسی باشد. او می‌گوید: «اگر دانشجو از این حذف مطلع می‌شد، از دکتر مک‌فادون به خاطر اینکه او را از پرداختن به استثنائات مشکوک یا ناچیز در قاعده کلی معاف کرده بود، سپاسگزار می‌بود. اما اگر به دانشجو

گفته می‌شد که تفسیر تاریخی نعمت ابراهیم به اعتبار این استثنای بی‌اهمیت در قاعده کلی بستگی دارد و کلید دکتر مکفادون برای دستور زبان، قلب انجیلی را از آن وعده باشکوه جدا می‌کند. اگر او جدی بود، در مورد این موضوع احساس کاملاً متفاوتی داشت. مسئله معانی احتمالی هیتفائل دیگر استخوان‌بندی خشک دستور زبان عبری نبود و به یک مسئله زنده و مهم برای ایمان مسیحی تبدیل می‌شد. «بنابراین، اینجا جایی است که دستور زبان عبری نقش نسبتاً مهمی در تفسیر یک متن نسبتاً مهم ایفا می‌کند».

حال آلیس در آن مقاله پا را فراتر می‌گذارد و اشاره می‌کند که هر پنج قطعه در تارگوم‌های سامری، بابلی و اورشلمی به صورت مجهول ترجمه شده‌اند، نه تنها در سپتوآجینت، بلکه در تارگوم‌ها نیز. تارگوم‌ها ترجمه‌های آرامی از عهد عتیق عبری هستند، پس از تبعید که زبان آرامی به زبان غالب در خاور نزدیک تبدیل شد. در هر صورت، این تارگوم‌ها مجهول هستند. نقل قول‌های سپتوآجینت و ولگاته و عهد جدید از این قطعات همیشه مجهول هستند.

البته نقل قول‌های عهد جدید برای ما به طور ویژه قابل توجه هستند. این آیه اعمال رسولان ۳:۲۵ است که در آن می‌خوانید: «و شما وارث و عده و عهدی هستید که خدا با پدران‌تان بست. او به ابراهیم گفت: «از نسل تو، همه قوم‌های روی زمین برکت خواهند یافت.»» سپس غلاطیان ۳:۸ می‌گوید: «کتاب مقدس از پیش می‌دانست که خدا غیریهودیان را با ایمان عادل خواهد شمرد و از پیش به ابراهیم بشارت داد: «همه ملت‌ها از طریق تو برکت خواهند یافت.»» این جمله مجهول است. در سخنان پولس، نکته قابل توجه این است که او این وعده را چه می‌نامد؟ او آن را انجیل می‌نامد. او می‌گوید: «و از پیش به ابراهیم بشارت داد: «همه ملت‌ها از طریق تو برکت خواهند یافت.»» حال فکر می‌کنم این نکته اهمیت این جمله در پیدایش ۱۲:۳ را برجسته می‌کند. ابراهیم چگونه برای ملت‌ها برکت خواهد بود؟ من فکر می‌کنم برکت باید در نسل او تحقق یابد، که با بازگشت به پیدایش ۳:۱۵، مار را خواهد کوبید. این به پیدایش ۳:۱۵ اشاره دارد و به مسیح و نجاتی که او تضمین کرد اشاره می‌کند. بنابراین، فکر می‌کنم در آن وعده، ایده‌ای را دارید که محور کل کتاب مقدس است. سوالات و نظرات؟

در هیچ یک از متون عهد جدید، نقل قول مستقیمی از هیچ یک از این پنج مورد وجود ندارد. این نوعی بازنویسی است که عناصر پنج مورد را با هم ترکیب می‌کند. تغییرات جزئی در این پنج مورد وجود دارد می‌بینید که می‌توان گفت که این استدلال می‌تواند این باشد که "آنها می‌توانند یکی از این گفته‌های نیفال را نقل کنند." اما فکر نمی‌کنم بتوانید این را بگویید، به دلیل نحوه کمی بازنویسی و سازماندهی مجدد آن. این فقط تکرار اصل آن گفته‌ی اساسی است. این همچنین دلیلی می‌شود که همه آنها را به طور مداوم ترجمه کنیم، نه اینکه نیمی از آنها را به یک صورت و نیمی دیگر را به صورت دیگر.

در اعمال رسولان ۱۷:۱۳ تا بقیه فصل، پولس تاریخ عهد عتیق را دنبال می‌کند. او تاریخ عهد عتیق را از خروج از طریق داوود تا مسیح دنبال می‌کند. این اعمال رسولان ۱۳ است. او در چندین جای آن از مسیح به

عنوان تحقق وعده به پدران صحبت می‌کند. اگر به اعمال رسولان ۱۳:۲۳ نگاه کنید، «از نسل این مرد، خدا نجات‌دهنده عیسی را طبق وعده خود برای اسرائیل آورده است.» وعده به پدران نسل کجا بود؟ اعمال رسولان ما به شما مژده می‌دهیم: آنچه خدا به پدران ما وعده داده بود، برای ما، فرزندان آنها، با برانگیختن: ۱۳:۳۲ دوباره عیسی، همانطور که در مزمور دوم نوشته شده است، به انجام رسانده است: 'تو پسر من هستی؛ امروز من پدر تو شده‌ام.' بنابراین، به نظر من اشاراتی مانند این از وعده به مسیح، اشاره‌ای به پیدایش ۱۲:۳ نیز هست، با این درک که این یک فعل مجهول است نه یک فعل انعکاسی.

بنابراین در این بیانیه و در این بیانیه‌های ارائه این وعده‌ها به ابراهیم، آنچه ووس در صفحه ۷۷ می‌گوید و در فهرست منابع شما نیز آمده است را داریم: «در پیدایش ۱۲، یک خانواده از میان تعدادی خانواده سامی انتخاب می‌شود و در درون آن، کار و حیانی و رستگاری‌بخش خدا به پیش برده می‌شود. این اهمیت عظیم دعوت ابراهیم است.» ببینید آنچه ما سعی در ردیابی آن داشته‌ایم، همین پیشرفت خط وعده است که ریشه در پیدایش ۳:۱۵ دارد و در اینجا گام مهم دیگری به جلو برمی‌داریم. خط ابراهیم، خطی است که از طریق آن، آن خط ادامه خواهد یافت.

پیدایش ۱۲:۷ – سرزمین موعود

پیدایش فصل ۱۲، آیه ۷ درباره سرزمین موعود صحبت می‌کند. «این سرزمین را به نسل تو خواهم داد.» توجه دارید که این آیه با این جمله شروع می‌شود: «خداوند بر ابراهیم ظاهر شد و گفت: این سرزمین را به نسل تو خواهم داد.» این اولین باری است که در عهد عتیق گفته می‌شود خداوند بر کسی ظاهر می‌شود. البته می‌دانیم که خداوند با آدم و حوا در باغ عدن قدم می‌زد. اما این عبارت «خداوند بر کسی ظاهر شد» این اولین باری است که اتفاق می‌افتد. یک اصطلاح فنی وجود دارد که برای این و موارد بعدی ظهور خداوند استفاده می‌شود و آن اصطلاح «تجلی» است - تجلی خدا. حال فکر می‌کنم اگر قرار باشد «تجلی» را تعریف کنید خواهید گفت: این تجلی خدا به شکلی موقت است که با حواس ظاهری قابل درک است. بنابراین از طریق یک تجلی، خدا حضور خود را برای افراد مختلف قابل مشاهده و تشخیص می‌کند. حال، اینکه شکل تجلی در این مورد خاص چه بوده، دشوار است، به ما گفته نشده است. اما در هر صورت، این نوعی مکاشفه قابل مشاهده از حضور خدا بود. در واقع، شکل فعلی «خداوند ظاهر شد» شکل مجهول فعل «رء» است. این فعل مجهول «است»، «خدا دیده شد، او ظاهر شد».

سایر متون عهد ابراهیمی: سرزمین موعود

در آیه اول پیدایش ۱۵ می‌خوانید: «پس از این، کلام خداوند در رؤیا به ابرام رسید: ای ابرام، مترس من سپر تو هستم، پاداش بسیار بزرگ تو.» حال، معمولاً وضعیت رؤیایی از طریق زبان از تجلی الهی متمایز

می‌شود. تجربه رؤیایی با ادراک حسی بیرونی درگیر نیست، بلکه درونی است. به نظر می‌رسد که این یک ظهور یا بازنمایی قابل مشاهده از خدا به شکل موقت است. اما او نه تنها چیزی را می‌بیند، زیرا خداوند بر او ظاهر شده است، بلکه چیزی را نیز می‌شنود، خدا سخن گفت و گفت: «این سرزمین را به نسل تو خواهم بخشید.» حال، آن وعده زمین دوباره در فصل ۱۷ آیه ۷ و همچنین در فصل ۱۵ مورد اشاره قرار گرفته است اما در پیدایش ۱۷:۷، «عهد خود را به عنوان عهدی جاودانه بین خود و تو و فرزندانت پس از تو، برای نسل‌های آینده استوار خواهم داشت تا خدای تو و خدای فرزندانت پس از تو باشم. تمام سرزمین کنعان، جایی که اکنون در «آن غریب هستی، را به عنوان ملکی ابدی به تو و فرزندانت پس از تو خواهم داد؛ و من خدای آنها خواهم بود. بنابراین به نظر می‌رسد که این وعده قرار است تا مدت‌ها و به طور نامحدود در آینده ادامه داشته باشد.

و عده سرزمین، سوالات زیادی را در مورد اینکه آیا به طور کامل محقق شده است یا خیر، و اینکه آیا این جنبه جاودانگی وعده تا به امروز نیز معتبر است، مطرح می‌کند. من معتقدم که این وعده در موازات پیدایش ۸ و ۱۷:۷ باقی می‌ماند، و عده سرزمین به عنوان وعده جاودانگی، موازی با عهد ابراهیمی است. به نظر من تا ۱۷:۷، زمانی که عهد ابراهیمی همچنان یک موجودیت معتبر باشد، و عده سرزمین نیز با آن مطابقت دارد. بنابراین همچنان معتبر است. به نظر من تحقق کامل این وعده هنوز مشخص نیست. برداشت من از بخش‌های مختلف کتب نبوی عهد عتیق این است که بازگشت اسرائیل به سرزمین در آینده وجود خواهد داشت. کتب نبوی مطالب زیادی در مورد سرزمین پس از پراکندگی و بازگشت در آینده می‌گویند.

دو چیز در مورد آن وعده‌های سرزمین وجود دارد. برخی می‌گویند که آنها هنگام بازگشت از تبعید بابل به طور کامل محقق شدند. اما من فکر می‌کنم اگر به جزئیات آنها نگاه کنید، بسیاری از جزئیات با بازگشت از تبعید مطابقت ندارند. بنابراین این یک تحقق کافی نیست. برخی دیگر این را تشخیص می‌دهند و می‌گویند که وعده‌های سرزمین یک تحقق معنوی دارند که در کلیسا محقق می‌شود به این معنا که سرزمین به جهان گسترش می‌یابد و فقط به یک نماد تبدیل می‌شود، نه چیزی که به عنوان یک تحقق جغرافیایی با قوم یهود در آینده در نظر گرفته شود. با این حال، این فراتر از محدوده این دوره است. اما من فکر می‌کنم ما هنوز شاهد تحقق جزئیات خاص در آینده خواهیم بود.

من فکر می‌کنم که این وعده به طور موقت در زمان داوود تحقق یافت، زیرا اگر به مرزهای موجود در پیدایش ۱۵ از فرات تا رودخانه مصر در زمان داوود نگاه کنید، پادشاهی تا آن مرزها گسترش یافته بود وقتی سلیمان قدرت را به دست گرفت، دقیقاً به آن مرزها اشاره می‌کند. به نظر من این یک تحقق موقت آن وعده است، اما از دست رفت و به نظر من این وعده دیگر عملی نیست، اما من به دنبال تحقق آن در آینده هستم.

پیدایش ۱۵ تصویب عهد

بیاید به پیدایش ۱۵ برویم، که دومین متن مربوط به عهد ابراهیمی است. فکر می‌کنم می‌توانیم فصل را به عنوان تأیید عهد توسط سوگند عهد خداوند در نظر بگیریم. می‌خواهم این فصل را به ترتیب بخوانم ۱۵ زیرا این فصل جالبی است و فکر می‌کنم باید کل متن را در ذهن داشته باشیم. «پس از این، کلام خداوند رؤیایی به ابرام رسید: «ای ابرام، مترس. من سپر تو هستم، پاداش بسیار بزرگ تو.» اما ابرام گفت: «ای خداوند متعال، چه می‌توانی به من بدهی؟ زیرا من بی‌فرزند می‌مانم و وارث اموال من، الیعازر دمشقی است؟» و ابرام گفت: «تو به من فرزندی نداده‌ای؛ پس یک خدمتکار در خانه‌ام وارث من خواهد بود.» سپس کلام خداوند به او رسید: «این مرد وارث تو نخواهد بود، بلکه پسری که از صلب تو زاده شود وارث تو خواهد بود.» او را بیرون برد و گفت: «به آسمان نگاه کن و ستارگان را بشمار - اگر می‌توانی آنها را بشماری.» سپس به او گفت: «نسل تو چنین خواهد بود.» ابرام به خداوند ایمان آورد و خداوند این را برای او پارسایی شمرد

همچنین به او گفت: «من خداوند هستم که تو را از اور کلدانیان بیرون آوردم تا این سرزمین را به تو» بدهم تا آن را به تصرف آوری.» اما ابرام گفت: «ای خداوند متعال، چگونه می‌توانم بدانم که مالک آن خواهم شد؟» پس خداوند به او گفت: «یک گوساله ماده، یک بز و یک قوچ، هر کدام سه ساله، همراه با یک کبوتر و یک جوجه کبوتر برای من بیاور.» ابرام همه اینها را نزد او آورد، آنها را به دو نیم کرد و هر نیمه را روی هم قرار داد؛ اما پرندگان را از وسط نصف نکرد. سپس پرندگان شکاری بر لاشه‌ها فرود آمدند، اما ابرام آنها را دور کرد. هنگام غروب آفتاب، ابرام به خواب عمیقی فرو رفت و تاریکی غلیظ و وحشتناکی او را فرا گرفت. سپس خداوند به او گفت: «یقین بدان که فرزندان تو در سرزمینی که از آن خودشان نیست، غریب خواهند بود و چهارصد سال به بردگی و آزار و اذیت کشیده خواهند شد. اما من ملتی را که آنها به بردگی می‌گیرند، مجازات خواهم کرد و پس از آن با اموال فراوان بیرون خواهند آمد. اما تو به سلامت نزد پدران تو خواهی رفت و در پیری دفن خواهی شد. در نسل چهارم، فرزندان تو به اینجا باز خواهند گشت، زیرا گناه اموریان هنوز به حد کامل خود نرسیده است.»

چون خورشید غروب کرد و تاریکی همه جا را فرا گرفت، آتشدانی دودآلود با مشعلی فروزان پدیدار شد و از میان پاره‌های چوب گذشت. در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست و گفت: «این سرزمین را به نسل تو می‌دهم.» و سپس مرزها ذکر شده‌اند.

بنابراین، همانطور که در آیه اول مشاهده کردیم، خداوند در رؤیایی با ابراهیم صحبت می‌کند، همانطور که اشاره کردم، این یک محیط رؤیایی است که در آن شخص برداشت‌هایی جدا از ادراکات حسی عادی دریافت می‌کند. او می‌تواند چیزهایی را ببیند و چیزهایی را بشنود، اما نه از طریق مکانیسم‌های بیرونی گوش و چشم این درونی است. در آیات ۴ و ۵، خداوند وعده نسلی بزرگ را تکرار می‌کند. الیعازر قرار نیست نواده برگزیده باشد، کسی هست که از شیرهای خودش خواهد آمد. و دوباره وعده تکثیر وجود دارد که ملتی بزرگ از او به وجود خواهد آمد.

آیه ۶ قابل توجه است: پاسخ ابراهیم. «او به خداوند ایمان آورد و برای او پارسایی محسوب شد.» این اولین بار در کتاب مقدس است که این دو مفهوم مهم ایمان و پارسایی با هم مرتبط می‌شوند. «او به خداوند ایمان آورد و برای او پارسایی محسوب شد.» توجه کنید که این جمله چگونه بیان شده است. او به واسطه ایمانش پارسا نمی‌شود، بلکه خداوند آن را برای او پارسایی محسوب کرد. در رومیان ۳: ۴، پولس به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «کتاب مقدس چه می‌گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او پارسایی محسوب شد.» حال وقتی کسی کار می‌کند، مزد او به عنوان هدیه به او تعلق نمی‌گیرد، بلکه به عنوان یک وظیفه به او تعلق می‌گیرد. با این حال، برای کسی که کار نمی‌کند، بلکه به خدایی که شریکان را عادل می‌شمارد، اعتماد می‌کند ایمان او به عنوان پارسایی محسوب می‌شود.» در اینجا این نسبت دادن یا محاسبه پارسایی بر اساس ایمان را دارید. بنابراین، پولس می‌گوید، رستگاری گناهکار نه از طریق اعمال، بلکه از طریق فیض از طریق ایمان است. بحث لئوپولد در مورد عادل شمردگی از طریق ایمان عالی است.

آیین سوگند عهد: بریدن یک آیین عهد -- رویای عبور کوره دودزا

بین قطعات

همینطور که جلوتر می‌رویم، این صحنه نسبتاً مرموز را برای ما ترسیم می‌کنید که در آن ابراهیم، حیوانات را گرفته و ذبح کرده و آنها را از هم باز کرده است. سپس در آیه ۱۲ می‌خوانید: «هنگام غروب آفتاب، ابرام به خواب عمیقی فرو رفت.» حال به یاد داشته باشید که در حال حاضر در یک زمینه رؤیایی هستید بنابراین در رؤیا، ابراهیم را در حال فرو رفتن در خواب عمیقی می‌بینید «و تاریکی غلیظ و وحشتناکی او را فرا گرفت.» و سپس در آیه ۱۷ این کوره دودزا، آن چراغ سوزان را دارید که از بین تکه‌های حیوان ذبح شده عبور می‌کند که پدیده‌ای نسبتاً مرموز و عجیب است. حال سوال این است که چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

بحث خوبی در این مورد در کتاب «با سوگند سپرده شده» نوشته مردیت کلاین وجود دارد. این تقریباً در اواسط صفحه ۱۳ در کتابشناسی شما است. شاید بخواهید به آن در صفحات ۱۶ و ۴۵ نگاهی بیندازید. اما همچنین مردیت کلاین به طور خلاصه‌تر در تفسیر جدید کتاب مقدس، بخش «تفسیر پیدایش»، بخش پیدایش آن جلد، صفحه ۹۵، آمده است. کلاین در آنجا می‌گوید: «آیین سوگندی که ابراهیم برای آن آماده شد، در تصویب معاهدات مرسوم بود. از آن اصطلاحات مختلفی برای بستن پیمان گرفته شد، مانند اصطلاح عبری «پیمان را بشکن.» کسانی از شما که عبری خوانده‌اید، احتمالاً متوجه هستید که وقتی در انگلیسی می‌خوانید فلانی پیمان بست یا خداوند پیمانی بست یا هر ترجمه دیگری، ترجمه تحت‌اللفظی آن از عبری «پیمان را بشکن.» عبارت عبری «کارات بریت» است - بریدن پیمان. اگر بگوییم «پیمان ببند» هیچ معنایی ندارد، زیرا پیشینه این اصطلاح برای ما گم شده است. می‌بینید که پیشینه این اصطلاح، مراسم تنفیذ است که با انعقاد این نوع توافقات

مرتبط بود که در آن حیوانات به دو نیم تقسیم می‌شدند. مفهوم ضمنی کشتن حیوانات این بود: اگر به تعهد توافق عمل نکنم، با من نیز چنین خواهد شد.

بنابراین کلاین ادامه می‌دهد: «آیین سوگندی که ابراهیم برای آن آماده شده بود، در تصویب معاهدات مرسوم بود و از آن اصطلاحات مختلفی برای بستن پیمان مانند عبارت عبری «پیمان ببند» گرفته شده است. نفرینی که به طور مشروط در سوگند ذکر شده بود، با این کشتن و تکه تکه کردن حیوانات نمادین می‌شد: «با کسی که این پیمان را می‌شکند، چنین شود»».

حال، بخشی که به این موضوع مربوط می‌شود، ارمیا ۱۸: ۳۴ است، جایی که می‌خوانید: «با کسانی که عهد مرا شکسته و به مفاد عهدی که پیش از من بسته‌اند، وفا نکرده‌اند، مانند گوساله‌ای که دو نیم کردند و سپس از میان تکه‌های آن گذشتند، رفتار خواهم کرد.» می‌بینید که در متن رسمی‌سازی یک عهد، به دو نیم کردن گوساله و عبور از میان تکه‌های آن اشاره شده است. «رهبان یهودا و اورشلیم، درباریان، کاهنان و همه مردم سرزمین که از میان تکه‌های گوساله گذشتند، به دشمنانشان که قصد جانشان را دارند، تسلیم خواهم کرد اجسادشان خوراک پرندگان هوا و حیوانات زمین خواهد شد.» می‌بینید که زبان آن اشاره به مراسم تصویب عهد بسیار شبیه به چیزی است که در پیدایش ۱۵ در حال وقوع است.

اشپایزر در تفسیر کتاب مقدس خود با نام «انکر» خاطر نشان می‌کند که آموری‌های اسناد ماری، متونی که در ماری یافت شده‌اند، در آیین‌هایی از این دست از الاغ استفاده می‌کردند، در نتیجه در اصطلاحات اسناد «ماری اصطلاح «کشتن الاغ» برای ورود به یک پیمان یا عهد بود. در زبان عبری، اصطلاح «کارات بریت به معنای «قطع پیمان» وجود دارد که اصطلاحی برای برقراری یک عهد است، اما منعکس‌کننده این آیین است که با برقراری این عهد مرتبط بوده است.

حالا وقتی به آیه ۱۷ می‌رسید، متوجه می‌شوید که می‌گوید، یک کوره آتشین دودزا که از بین قسمت‌های کشته شده حیوانات عبور می‌کند و اکثر مردم کوره دودزا و چراغ سوزان را نوعی نمایش تجلی الهی از خود خدا می‌دانند. این خداست که سوگند یاد می‌کند. او از بین قسمت‌های حیوانات کشته شده عبور می‌کند. بنابراین کلاین در تفسیر خود می‌گوید: «آن تجلی الهی، مانند اغلب جاهای دیگر، از عناصر آتش و دود برای نشان دادن حضور خدا استفاده می‌کند. خدا با عبور از بین تکه‌ها، به وعده‌های عهد خود وفادار ماند و تمام نفرین‌هایی را که «لاشه‌ها نماد آن هستند، بر خود گرفت»

اکنون کلاین در کتاب خود با عنوان «سوگند سپرده‌شده» به تفصیل تفاوت بین پیمان وعده و پیمان شریعت را مورد بحث قرار می‌دهد. در پیمان وعده، این خداست که سوگند یاد می‌کند. در پیمان شریعت، این انسان است که سوگند یاد می‌کند. بنابراین اگر مثلاً این پیمان، یعنی پیمان ابراهیمی را با پیمان سینا مقایسه کنید در اینجا در پیمان ابراهیمی می‌بینید که این خداست که سوگند یاد می‌کند. این خداست که از بین اجزای حیوانات ذبح‌شده عبور می‌کند. اگر به پیمان سینا رسیده باشید، این مردم هستند که می‌گویند «هر آنچه خداوند می‌گوید

انجام خواهیم داد». بنابراین در سینا، این مردم هستند که سوگند یاد می‌کنند. این تمایزی بین دو نوع مختلف پیمان است. بنابراین این نوع آیین نشان‌دهنده ماهیت تعهدآور پیمان ابراهیمی است. خدا می‌گوید این کاری است که من برای شما انجام خواهم داد.

در معاهدات سیادت/رعیت، شرکای کوچکتر سوگند یاد می‌کردند نه پادشاه بزرگ، بنابراین سینا موازی با معاهده قانون است. برخی سعی می‌کنند آن شکل معاهده را با پیدایش ۱۵ و ۱۷ مقایسه کنند. من فکر می‌کنم برخی از جنبه‌های آن موازی هستند، اما این موازی بودن با عهد سینا بسیار قوی‌تر از عهد ابراهیمی است. عهد ابراهیمی واقعاً بیشتر شبیه چیزی است که به آن کمک‌های بلاعوض سفته‌ای می‌گویند که در آن یک پادشاه بزرگ قول یک زمین رعیت یا چیزی شبیه به آن را می‌دهد.

سوال: معمولاً در مورد اهمیت وحشت و تاریکی چه گفته می‌شود؟

وانوی: این فقط تصویری از یک رویداد بسیار ترسناک و جدی است. مردیت کلاین در کتاب «با سوگند سپرده شده» می‌گوید این همان جلجتا در عهد عتیق است، جایی که خدا نفرین را بر خود می‌گیرد تا از تحقق آن وعده‌ها اطمینان حاصل کند. بنابراین می‌توان گفت که چیزی از آن وحشت، در این محیط گنجانده شده است.

باشه، فردا از این مرحله شروع می‌کنیم.

رونویسی توسط تد هیلدبرانت

ویرایش اولیه و نهایی توسط تد هیلدبرانت

روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت